



روزنامه شرق، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۸۶۸۹-۳۷-۳۷
نمبر: ۸۸۹۸۶۸۴۸
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۹۸۶۸۲۰-۲۲
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۲۳-۲۲
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گل‌ریز
تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران: اذان ظهر ۱۲:۱۶ اذان مغرب ۱۷:۴۱ اذان صبح فردا ۵:۴۳ طلوع آفتاب ۷:۱۰



سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۳۹۱ ۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۳۴ ۲۲ ژانویه ۲۰۱۳ سال دهم شماره ۱۶۵۴ ۱۶صفحه

«دلوز» و «ونگوگ» با «مشایخی» و «نجفی»

شرق: در ادامه درسگفتارهای زمستانه موسسه پرشش روز چهارشنبه چهارم ماه ساعت ۱۹-۱۷ درسگفتار دلوز، تجربه‌گرایی، نقاشی با تدریس دکتر عادل مشایخی آغاز خواهد شد. لازم به ذکر است این درسگفتار در ادامه درسگفتارهای تخصصی عادل مشایخی درباره دلوز برگزار خواهد شد از روز دوشنبه نهم بهمن‌ماه ساعت ۱۹-۱۷ نیز درسگفتار سوسیالیسم در نقاشی: نگاه تازه به ونگوگ با تدریس صالح نجفی آغاز می‌شود. علاقه‌مندان برای ثبت‌نام و شرکت در این درسگفتارها می‌توانند به وب‌سایتwww.qporsesh.com مراجعه کنند.



از هر نظری‌ضرر

برنامه‌های جدید پرکردن اوقات فراغت؛

گرفتن عکس یادگاری با دار آزاد

اما بالا رفتن از آن مجاز نمی‌باشد



پوریا عالمی

تماشای چاقورنی

(هزینه بلیت: رایگان / بدون وسیله ایاب‌وذهاب /

بدون پذیرایی / فیلمبرداری و عکاسی با موبایل؛ آزاد)

این مراسم باشکوه نیز متأسفانه بدون برنامه‌ریزی و به صورت کاملاً خودجوش برگزار می‌شود. مانند مراسم خاطره‌انگیز میدان کاج که با استقبال پرشور مردم مواجه شد. خوشبختانه هر جا که این مراسم اتفاق بیفتد سه‌سوت مردم از سر و کول هم بالا می‌روند تا شاهد مراسم چاقورنی باشند.

تصوره: گرفتن عکس یادگاری با قمه آزاد است اما نزدیک شدن به قمه کش و مسوولیت آن با خودتان است.

تماشای زورگیری

(هزینه بلیت: رایگان / بدون وسیله ایاب‌وذهاب /

بدون پذیرایی / فیلمبرداری و عکاسی با موبایل؛ آزاد)

این مراسم سنتی که از جمله تفرج‌های مدرن محسوب می‌شود در سطح شهر قابل مشاهده است.

تصوره: گرفتن عکس یادگاری با زورگیر آزاد است اما به خودتان زحمت ندهید حتما تمثال می‌ثال شما در دوربین‌های مداربسته ثبت شده است.

تماشای دسته‌جمعی

(هزینه بلیت و چیزهای دیگر: ندارد)

یکی از معدود مراسمی که در ملاحظه اتفاق نمی‌افتد، مراسم تجاوز گروهی است که پشت درهای بسته (و اصولا در باغ یا پایان مراسم عروسی) انجام می‌شود، اما خبرش مثل توپ صدا می‌کند و جامعه را می‌ترکاند. این مراسم تماشاجی ندارد و حضور در محل به معنی دست‌اندر کار بودن در جرم است. تصوره: ندارد.

تماشای اعدام

(هزینه بلیت: رایگان / ایاب‌وذهاب با تماشاجی /

بدون پذیرایی / فیلمبرداری و عکاسی با موبایل؛ آزاد)

چون این مراسم صبح زود برگزار می‌شود، رایزنی‌هایی صورت گرفته تا به کسانی که از شب قبل می‌آیند و جا می‌اندازند و می‌خواهند که هنگام مراسم آن جلو باشند، در صورت سرد شدن هوا پتوی اضافه داده شود.

تصوره: گرفتن عکس یادگاری با دار آزاد است اما بالا رفتن از آن مجاز نمی‌باشد.

تماشای کندن صندلی

(هزینه بلیت: با تماشاجی / وسیله ایاب‌وذهاب /

بدون پذیرایی / فیلمبرداری و عکاسی با موبایل؛ ممنوع) از پرشورترین مراسم عصر حاضر مراسم آیینی کندن صندلی ورزشگاه یا اتوبوس است. این مراسم بعد از بازی انجام می‌شود. گاز گرفتن صندلی، کندن صندلی، آتش‌زدن صندلی، پرت کردن صندلی و هر کار دیگری که بشود با صندلی کرد آزاد است.

تصوره: کوبیدن صندلی به سر داور ممنوع است اما اگر زورتان می‌رسد پرت کنید تا بخورد که دور هم بچندیم

نتیجه

۱- آخر هفته پایه هستیست با خانواده یا شویم

خوش گذران می‌برویم صفا‌سیتی؛ کشتار گاه.

۲- ما داریم کجا می‌رسیم؟ عیب نداره من پیاده شوم بروم باغ وحش؟

وازگان یک فرهنگ

مجسمه: از میدان تا سقاخانه-۱



ناصر فکوهی

● نام و سنت مجسمه‌سازی در فرهنگ ایرانی لزوما مکانی از حافظه شمرده نمی‌شود. هر چند که باید دایما آن را با گروهی بزرگ از هنرها و پهنه‌های حرفه‌ای دیگر از خطاطی و آهنگری گرفته تا گچ‌بری و حکاکی و نقاشی پیوند زد؛ زیرا در طول تاریخ هزاران ساله این سرزمین و حتی در تاریخ صد ساله ما، مبادلات پیوسته میان آنها خواسته و ناخواسته، خودانگیخته و برنامه‌ریزی شده دایما ادامه داشته است. ایرانیان همچون بسیاری دیگر از مردم سرزمین‌هایی که در سنت انسان شکل‌انگارانه (anthropomorphic) قرار نمی‌گیرند، یعنی لزوما انسان را تصویری از خداوند و خاوند را قابل تجسمی انسانی نمی‌دانند، امری که از ایران باستان مزداگرایی تا ایران اسلامی (با استثناهای زیادی در دوران یونانی شدن ایران در فاصله هخامنشیان و ساسانیان) دست‌کم تا دوران صفویه غالب بوده است، تمایلی به تقلید از فرآیند آفرینش انسان نداشته‌اند و اگر مجسمه‌های هم که ساخته می‌شده یا تصاویری که نگاشته می‌شده‌اند، لاقال با توجه به بازماندگان آنها، عموما متفاوت (نقش برجسته، خطاطی، بافندگی و حتی قالب‌هایی بساز هم ذهنی‌تر یعنی شعر و ادبیات و روایت‌های اسطوره‌ها و یا بافته‌هایی چون فرش و گلیم) بوده است. این تابویی بودن تجسم و بازآفرینی انسان در قالب‌های مجسمه به‌خصوص و در دوران پس از ورود اسلام تا دوره صفوی به شدت غالب بود و گاه نیز تصاویر و تجسم‌های مادی در قالب آئینک‌های گلی، شبیه عروسک‌ها و با حیوانات قرار گرفته و با اشیا و ابزارهای کارکردی از قفل‌ها گرفته تا درها و پنجره‌ها و ایوان‌ها و حوض‌ها و اشیا دیگر ترکیب می‌شدند اما ساختن مجسمه‌های انسانی در قالب‌هایی نزدیک و هم اندازه با انسان و یا غول‌اسا (همچون ترسیم چهره‌هایی انسانی در نقاشی، با وجود این نباید فراموش کرد که در مرزهای غربی ایران و سنت بین‌النهرینی و مرزهای شرقی و سنت مائوی و به خصوص فلات مرکزی ایران پیش هخامنشی، سنت‌های پیش آریایی تجسم در قالب‌های مادی و انسانی‌ها ظاهرا ممکن بوده است و همین امر در دوره هلنی شدن ایران یعنی در فاصله هخامنشی و ساسانی احتمالا به سنتی از مجسمه‌سازی مدرن دامن زده است که معروف‌ترین نمونه آن «سردار پارثی» یا «سورنا» است که امروز در موزه ملی قرار دارد.

مجسمه‌سازی مدرن با سیاست و باز هم با قاجار به میدان آمد و عمری کوتاه‌تر از نقاشی دارد که می‌توان آن را به صفویه رساند. نخستین مجسمه مدرنی که از آن سخن به میان آمده است نیز به خود ناصرالدین شاه سوار بر اسب و در اندازه‌هایی نزدیک به واقعیت تعلق دارد که ظاهرا به دستور او به وسیله علی‌اکبر حجار ساخته شده و ابتدا در قورخانه و سپس در باغشاه نصب می‌شود و سپس پایین کشیده می‌شود و زمان ساخت آن احتمالا ۱۳۰۴ قمری (۱۸۸۷) بوده است. اما اگر از آن شروع کوتاه و زودگذر فراتر برویم، شروع مجسمه‌سازی مدرن در ایران را باید به‌طور خاص به ابوالحسن صدیقی (۱۹۹۵-۱۸۹۴ / ۱۳۷۴-۱۲۷۳) و تحصیل او در مدرسه صنایع مستظرفه (تأسیس ۱۲۹۰/۱۹۱۱) همراه با علی محمد حیدریان (۱۹۹۰-۱۳۶۹/۱۸۹۶-۱۳۷۵) (در نقاشی) نسبت داد که هر دو بعدها نقش مهمی در تلاطم کار استادخود کمال‌الملک (۱۹۴۰-۱۸۴۷/۱۳۱۳-۱۲۷۳) در قالب این مدرسه و دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران (تأسیس ۱۳۱۸/۱۹۴۹) داشتند.

آکادمی

«فردوسی» میهمان تحلیف «اوباما»

● گروه علم: «بلک فردوسی» دانشمند ایرانی تبار مقیم آمریکا، دیروز به نمایندگی از «اسا» در مراسم سوگند ریاست‌جمهوری اوباما شرکت کرد. «ساراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا دیروز (دوشنبه، دوم بهمن) برای دومین‌بار طی مراسم ویژه‌ای سوگند یاد کرد. در مراسم امسال، سه عضو تازم‌وارد از «اسا»، حضور داشتند: «بلک فردوسی» به عنوان مدیر پرواز ماموریت مرخپژود «کنج‌کاو۱» و دو همراهش. همراهان وی در این مراسم، ماکت‌های مرخپژود «کنج‌کاو۱» و فضاپیما۱ «اورپوس» در اندازه واقعی بودند. مرخپژود ۲/۵ میلیارددلاری «کنج‌کاو۱» (کنج‌کاو۱ (کوپراسیتی) ۱۵ مرداد ۱۳۹۱ طی عملیاتی موفقیت‌آمیز روی سطح کره مرخ فرود آمد تا ماموریت دو ساله خود را برای آزمایش درباره نشانه‌های وجود حیات میکروبی در طول عمر سیارمرخ آغاز کند. گفتنی است دانشمندان زیادی در ناسا مشغول کارند، اما از این میان، «بلک فردوسی» به دلیل مدل موی تاج‌خروسی‌اش و علاقه کاربران اینترنتی، یک‌شنبه پدیده شد و تصویرش موردتوجه رسانه‌ها قرار گرفت. «هدف مهندس جوان ایرانی‌تبار در بین‌های اعلام کرد: «هدف ما از کارهایی که در ناسا انجام می‌دهیم و تمامی این اکتشاف‌ها، فقط این نیست که چیزهایی درباره سیاره‌های دیگر بدانیم. هدف ما آن است که سیاره خردمان، زمین را بهتر بشناسیم»



مزدک علی نظری

مواد لازم:

کاپوچینو، یک‌بسته
عسل طبیعی، یک قاشق غذاخوری
پودر دارچین، یک چهارم قاشق مرباخوری
شکر، دو چهارم قاشق مرباخوری

طرز تهیه: ابتدا کاپوچینو را باز کرده و داخل یک فنجان بزرگ بریزید. دقت کنید که برای حل‌شدن آسان، بهتر است این نوع محصولات پاکت شده را در فنجان ریخته و بعد با داغ را روی آن بریزید.

این نوشیدنی خوش طعم و سالم، بهترین وسیله پذیرایی از یک میهمان سرزده است و خیلی زود آماده می‌شود. پس عجله نکنید، دست‌پاچه نشوید؛ این‌طور دست‌هایتان نلرزد. دست‌های «بری» پی‌نخ است، انگار که یک تکه از زمستان، کوله‌پشتی بزرگ و باتوم کوهش را می‌گذارد کنار در و با مادر احوالپرسی می‌کند.

ژاندارک

کاپوچینو با دارچین



منتظر بمانید تا آب جوش بیاید، بعد آن را آرام روی کاپوچینو بریزید و عسل را هم اضافه کنید. بری حالا دست‌هایش را دراز کرده روی دیوار اوپن و خم شده سمت من، جوری که نور آباژور سقف درست‌توی صورتش برق انداخته،

مخصوصا روی آن گلسر نقره‌ای که به جلوی موهایش زده می‌گوید: «چه بویی راه انداختی پسرخاله چی درست می‌کنی؟»

مرحله آخر، پاشیدن مخلوط ساییده شده شکر و دارچین روی نوشیدنی است. باید این پودر جادویی را از قبل ترکیب کرده و خوب ساییده باشید. هاون کوچک را از دستم می‌گیرد و بو می‌کند. چشم‌هایش برق می‌زند: «هوم؛ چه بوی خوبی»

دارچین و شکر میکس شده را آرام‌آرام روی کف

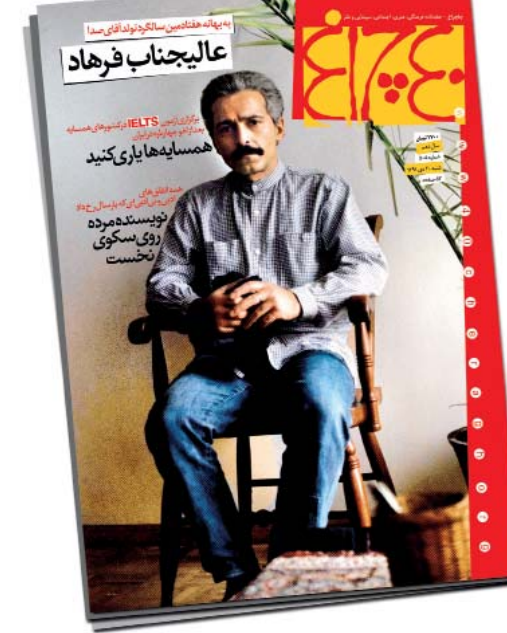
کاپوچینو بخش کنید. این‌طوری نوشیدنی‌تان قشنگ‌تر می‌شود. «دارچین» ادویه‌ای است که تاریخچه‌اش به چهارهزار سال پیش در مصر باستان برمی‌گردد و چون سرشار از کلسیم، آهن، ویتامین‌های سی و کا، منگنز و فیبر است، استفاده از آن توصیه می‌شود. مخصوصا برای ورزشکارهایی مثل پری که مدام توی کوه بالا و پایین می‌روند و مثل حالا خسته برمی‌گردند.

جویدن چوب دارچین هم دهان را خوشبو می‌کند و این باعث می‌شود وقتی خم می‌شوید تا نوشیدنی را به میهمانتان تعارف کنید، اعتماد به نفستان بیشتر باشد.

چشم‌های پری می‌خندد، دو دستی کاپوچینو را برمی‌دارد و می‌پرسد: «چرا برای خودت درست نکردی؟»

وقت‌هایی مثل حالا که نفستان تنگ می‌شود و

شنبه خوب، شنبه چلچراغ



با شما نبودم

کتاب‌های جیبی زردرنگ

فکر می‌کردند. بنده شخصا خوشحال شدم. شاید کتاب‌ها بی‌ارزش بودند اما در هر حال آشنایی با این علما خیلی هم بد نیست.

خلاصه این رفیق‌مان رخت و لباس کند همچون ما و هم‌خانمان و به سیاق خانه‌های مجردی به نهضت تینان و رکابی سفیدِ رنگ‌بریده‌پیوست. راستش از خدا که پنهان نیست از شما هم پنهان نباشد ایشان با هم‌خانه ما کمی حرف‌های ضد زن زند ما هم سر تکان دادیم، چاره نبود. البته صحبت‌ها بیشتر حول محور بی‌وفایی زنان بود و ما هم با ارجاع ذهنی به آقا «آدریان لین» و بی‌وفایش در این بحث شرکت کردیم.

فردایش تلفن زنگ خورد و رفیق‌مان ما را

به نوشیدن قهوه در کافه «تمدن» دعوت کرد.

رفتیم. دیدیم چند بانو با وجنات پس‌امدرن و

چند آقا با عینک‌های قریم‌کنده و سنسیل و

موهای قر، یک‌جورهایی هم‌شکل خردمان

– البته ما بی‌عینکیم– آنجا هستند. نشستم و

کمی درباره فوتبال و وضعیت ارز، دیش‌های جمع‌آوری شده و جمع‌آوری نشده و گرانی و فیلم‌های در حال اکران، حرف زدیم که رفیق‌مان چشم‌هایش برق زد و یک نیم‌جیزی به جلو برداشت و با بادی لنگویچ در ابتدا و بعد با کلماتی غریب با مقادیر قابل توجهی اتورپته

عنان بحث را در دست گرفت و شروع کرد به سخن گفتن.

سخن از افلاطون آغاز شد و با جمله «پلاتو ایز بورینگ» رسید به «اسطو» و محاکاتش و همین‌طور جلو آمد تا رسید به تاریخ جنون و مراقبت و تنبیه و لذت متن و حقیقت و روش و در نهایت با تمر کر ویژه روی «ژولیا کریستوا» و مقالات فراوانی حول محور فمینیسم ما را و جمع را و کلا کافه را توامان با گفت‌مان تاریخی مردسالار در سازوکار ادراک‌های زبانی به چالش کشید و سخن خود را با این به چالش کشیدن به پایان رساند.

راستش من خودم آنقدر منقلب شدم که

دو دستم را با شور و توانی غریب به هم کوبیده

«پلاتو ایز بورینگ»